

کتاب دانی ایل — ایک سو سینتالیسواں نمبر

نقش جنبش‌های دینی در شکل‌دهی سیاست آمریکا: از پت رابرتسون تا ائتلاف مسیحی

Jeff Pippenger

2024-03-20

ما مقاله پیشین را با بند زیر به پایان رساندیم:

«قدرت معجزه‌آسایی که از طریق روح‌گرایی ظاهر خواهد شد، نفوذ خود را بر ضد کسانی به کار خواهد گرفت که اطاعت خدا را بر اطاعت انسان ترجیح می‌دهند. ارتباطات صادره از ارواح اعلام خواهند کرد که خدا آنان را فرستاده است تا منکران یکشنبه را از خطای ایشان متقاعد سازند، و تأکید خواهند نمود که قوانین سرزمین باید همچون شریعت خدا اطاعت شوند. آنان بر شرارت عظیم موجود در جهان نوحه خواهند کرد و بر شهادت معلمان دینی صحنه خواهند گذاشت که انحطاط وضعیت اخلاقی، ناشی از بی‌حرمتی به یکشنبه است. خشم عظیمی بر ضد همه کسانی برانگیخته خواهد شد که از پذیرفتن شهادت ایشان امتناع می‌ورزند.» جدال عظیم، 589، 590.

«شهادت معلمان دینی مبنی بر این‌که حالت منحل اخلاق به سبب هتک حرمت یکشنبه پدید آمده است»، نشانه‌ای در تاریخ است که به تحمیل پرستش خورشید در ایالات متحده می‌انجامد. پت رابرتسون، واعظ تلویزیونی آمریکایی و بنیان‌گذار شبکه پخش مسیحی (CBN) و ائتلاف مسیحی، در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری‌خواه در سال ۱۹۸۸ برای ریاست‌جمهوری ایالات متحده نامزد شد. کارزار انتخاباتی رابرتسون بر بسیج رأی‌دهندگان مسیحی محافظه‌کار و دفاع از مسائل اجتماعی و اخلاقی همسو با باورهای انجیلی او متمرکز بود. در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، در تاریخ نخستین هشت رئیس‌جمهور نهایی، رهبر و بنیان‌گذار ائتلاف مسیحی برای ریاست‌جمهوری نامزد شد. تاریخ ریاست‌جمهوری ریگان، نمونه پیش‌نمون تاریخ آخرین رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه است.

قضایات‌های خدا در شرف پدید آوردن وضعیتی است که عبارت پیشین برگرفته از *نبرد عظیم* را تحقق می‌بخشد و با عملکرد «ائتلاف مسیحی» نیز هم‌سنگ است. «ائتلاف مسیحی» برای پرداختن به مشکلات اخلاقی و اجتماعی‌ای پدید آمد که خواهر وایت آن‌ها را برای کسانی که زمام حکومت را در دست دارند، حل‌ناشدنی معرفی می‌کند. «ائتلاف مسیحی» در تاریخ ریگان، نمایانگر جنبشی مشابه در آینده‌ای بسیار نزدیک است. از دیدگاه نبوتی، «ائتلاف مسیحی» به‌وسیله «جنبش اصلاحات ملی» در خلال بحران قانون یکشنبه، مرتبط با لوایح بلر در دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰، نمونه‌وار پیش‌نمایی شده بود. «جنبش اصلاحات ملی» در سال ۱۸۸۸ تشکیل شد، و خواهر وایت به‌طور مشخص در نوشته‌های خود به آن جنبش پرداخته است.

«بحرانی عظیم در انتظار قوم خداست. بحرانی در انتظار جهان است. خطرترین نبرد تمامی اعصار درست در پیش روی ماست. وقایعی که بیش از چهل سال، بر اساس اقتدار کلام نبوت، وقوع قریب‌الوقوع آن‌ها را اعلام کرده‌ایم، اکنون در برابر چشمان ما در حال وقوع‌اند. هم‌اکنون مسئله اصلاحیه‌ای بر قانون اساسی که آزادی وجدان را محدود سازد، به قانون‌گذاران ملت عرضه شده است. مسئله تحمیل رعایت یکشنبه به موضوعی دارای اهمیت و توجه ملی بدل شده است. ما به‌خوبی می‌دانیم که نتیجه این جنبش چه خواهد بود. اما آیا برای این رویارویی آماده‌ایم؟ آیا وظیفه‌ای را که خدا به ما سپرده است، یعنی هشدار دادن به مردم درباره خطری که در پیش رویشان است، با امانت به انجام رسانده‌ایم؟»

«بسیاری هستند، حتی از میان کسانی که در این جنبش برای اجرای اجباری یکشنبه دخیل اند، که نسبت به نتایجی که در پی این اقدام خواهد آمد، کور شده‌اند. آنان نمی‌بینند که مستقیماً بر ضد آزادی دینی ضربه می‌زنند. بسیاری هستند که هرگز دعاوی سبت کتاب مقدسی و بنیاد باطلی را که نهاد یکشنبه بر آن استوار است، درک نکرده‌اند. هر جنبشی به سود قانون‌گذاری دینی، در حقیقت، عملی است از سر امتیاز دادن به پاپیت؛ همان قدرتی که در طی قرون بسیار، پیوسته با آزادی وجدان در ستیز بوده است. نگاهداری یکشنبه، به عنوان نهادی به اصطلاح مسیحی، موجودیت خود را مدیون «سر بی‌دینی» است؛ و اجرای اجباری آن، عملاً به منزله به رسمیت شناختن اصولی خواهد بود که سنگ زاویه رومی‌گرایی را تشکیل می‌دهد. هنگامی که ملت ما تا بدان‌جا اصول حکومت خود را انکار کند که قانونی درباره یکشنبه وضع نماید، پروتستان‌یسم در این اقدام با پاپیت دست اتحاد خواهد داد؛ و این چیزی جز دمیدن حیات در آن استبدادی نخواهد بود که از دیرباز با اشتیاق در کمین فرصت خویش بوده است تا بار دیگر به استبدادی فعال سر برآورد.»

«جنبش اصلاح ملّی، در اعمال قدرت قانون‌گذاری دینی، هنگامی که به‌طور کامل رشد یابد، همان نابردباری و ستمی را آشکار خواهد ساخت که در اعصار گذشته حاکم بوده است. شوراهای بشری آنگاه اختیارات خاص الوهیت را برای خود قائل شدند و آزادی وجدان را زیر قدرت استبدادی خویش درهم کوبیدند؛ و برای کسانی که با فرمان‌های ایشان مخالفت می‌ورزیدند، زندان، تبعید و مرگ در پی آمد. اگر پاپ‌گرایی یا اصول آن بار دیگر به وسیله قانون به قدرت بازگردانده شود، آتش‌های جفا بر ضد کسانی که حاضر نخواهند شد وجدان و حقیقت را به احترام خطاهای رایج قربانی کنند، بار دیگر افروخته خواهد شد. این شر در آستانه تحقق است.»

«هنگامی که خدا نوری به ما بخشیده است که خطرات پیش روی ما را نشان می‌دهد، اگر از به‌کار بستن هر کوششی که در توان ماست برای رساندن آن به مردم غفلت ورزیم، چگونه می‌توانیم در نظر او بی‌تقصیر بایستیم؟ آیا می‌توانیم خشنود باشیم که ایشان را بی‌آنکه هشدار یافته باشند، واگذاریم تا با این مسئله خطیر روبه‌رو شوند؟»

«پیش روی ما چشم‌انداز کشاکشی پیوسته قرار دارد؛ کشاکشی که با خطر زندانی شدن، از دست دادن اموال، و حتی خود جان، برای دفاع از شریعت خدا همراه است؛ شریعتی که به وسیله قوانین انسان‌ها باطل شمرده می‌شود. در این وضعیت، مصلحت‌اندیشی دنیوی، به‌خاطر صلح و هماهنگی، به سازگاری ظاهری با قوانین سرزمین ترغیب خواهد کرد. و حتی برخی چنین راهی را از کتاب مقدس نیز توصیه خواهند کرد: «هر شخص مطیع قدرت‌های برتر باشد... زیرا قدرت‌هایی که هستند، از جانب خدا مقرر شده‌اند.»»

«لیکن گزشتہ زمانوں میں خدا کے خادموں کا طرز عمل کیا رہا ہے؟ جب شاگردوں نے، اُس کے جی اُٹھنے کے بعد، مسیح اور اُس کے مصلوب ہونے کی منادی کی، تو حاکموں نے انہیں حکم دیا کہ وہ مزید نہ بولیں اور نہ یسوع کے نام میں تعلیم دیں۔ ”مگر پطرس اور یوحنا نے جواب میں اُن سے کہا، آیا خدا کی نظر میں یہ درست ہے کہ ہم خدا سے بڑھ کر تمہاری سنیں، تم ہی فیصلہ کرو۔ کیونکہ جو کچھ ہم نے دیکھا اور سنا ہے، اُسے بیان کیے بغیر ہم رہ نہیں سکتے۔“ وہ مسیح کے وسیلہ سے نجات کی خوشخبری سناتے رہے، اور خدا کی قدرت نے اس پیغام کی گواہی دی۔» Testimonies, volume 5, 711-713

احکام خداوند در آستانہ آن‌اند کہ در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و دینی ایالات متحدہ فضایی پدید آورند کہ منطق لازم را برای آن فراهم سازد تا رہبران مذہبی آغاز بہ فراخواندن برای احیای اخلاق عمومی کنند؛ چنان‌کہ این امر در دہہ‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ بہ صورت نمادین پیش‌نمودہ شد، و سپس بار دیگر در تاریخ آن رئیس‌جمهوری کہ زمان آخر را در سال ۱۸۸۹ مشخص کرد. «بحرانی عظیم در انتظار قوم خداست. بحرانی در انتظار جہان است.» خواہر وایت دو پرسش مطرح می‌کند: «آنگاہ کہ خداوند نوری بہ ما دادہ است کہ خطرات پیش روی ما را نشان می‌دهد، اگر از بہ‌کار بستن ہر تلاشی کہ در

توان داریم برای رساندن آن به مردم غفلت کنیم، چگونه می‌توانیم در نظر او بی‌گناه بایستیم؟ آیا می‌توانیم خرسند باشیم که آنان را بدون هشدار رها کنیم تا با این مسئله خطیر روبه‌رو شوند؟»

آگے ہمارے سامنے موجود خطرات کو ظاہر کرنے والی کون سی روشنی رہی ہے، اور اگر کوئی روشنی نہ رہی ہو تو ایک محبت کرنے والا خدا اپنے لوگوں کو اس بات کے لیے کیسے جواب دہ ٹھہرا سکتا ہے کہ انہوں نے تنبیہی پیغام پیش نہیں کیا، جبکہ انہوں نے وہ تنبیہی پیغام کبھی سنا ہی نہ تھا؟ عزیز قاری، آپ ان مضامین میں پیش کی گئی روشنی کے لیے جواب دہ ٹھہرائے جائیں گے۔

اوصافِ مشخص و بزرگی‌های قدرتِ اژدهای دموکرات، قدرتِ نبی کاذبِ جمهوری‌خواه، قدرتِ پاپی، اسلام و کلیسای ادونتیسٹ لاودیکه، و نیز اسرائیل تحت‌اللفظی در این مقالات، از سوی اربابانِ قدرتِ سخنانِ نفرت‌انگیز تلقی خواهد شد؛ اما آن‌ها پیامی از کلام خدا هستند که به واسطهٔ روش «خط بر خط» استوار گردیده‌اند، و آن خطوط فریادِ برمی‌آورند که داورِی‌های خدا در شرفِ افزایش یافتن و تشدید یافتن در بسامدِ وقوع هستند.

از دیدگاهِ نبوتی، ائتلافِ مسیحی که در تاریخ، درست پیش از زمانِ پایان، در سال ۱۹۸۹ پدید آمد، کاربردی بس مهم‌تر از صرفاً موازی بودن با دهه‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ دارد. در عبارتی که همین اکنون از خواهر وایت نقل کردیم، او روح‌گرایی را به‌عنوان یکی از دو راهی که شیطان از طریق آن جهان را به اسارت می‌گیرد مشخص می‌سازد، و سپس چند سخن را به معجزاتی که او انجام خواهد داد اختصاص می‌دهد.

پس از انتخابات سال ۱۹۸۸، یعنی پس از ظهورِ ائتلافِ مسیحی، تجلیِ عظیمی از معجزاتِ شیطانی در قلمروِ اژدها، قلمروِ وحش، و قلمروِ نبی کاذبِ پدیدار شد. مهم است که این پدیده‌ها به‌درستی در جای خود قرار گیرند، زیرا آن‌ها نمودِ ظهورِ شیطان‌اند که پس از قانونِ یک‌شنبه‌ای که به‌زودی در ایالات متحده خواهد آمد، خود را به‌جای مسیح جلوه خواهد داد.

در قلمروِ کاتولیسیسم، در دههٔ ۱۹۹۰، جهانِ نظاره‌گر بود که چگونهِ ظهوراتِ به‌اصطلاحِ مریم باکره، همراه با معجزاتِ تندیس‌های خون‌ریزِ قدیسان، معجزاتِ ظهوراتِ در آسمان، بارشِ گلبرگ‌های گل از آسمان بی‌ابر، و دیگرِ معجزاتِ پوچِ شیطانی رخ می‌داد. در آن ایام، زیارت‌هایی از سوی هزاران نفر از سراسر جهان به‌طور گسترده انجام می‌گرفت، و توده‌ها به‌سببِ این رویدادها به درونِ فریب‌هایی که به‌واسطهٔ آن‌ها پدید می‌آمد کشیده می‌شدند. کتاب‌هایی دربارهٔ آن‌ها نوشته شد، روزنامه‌نگاران به تحقیق پرداختند، و مجلاتی چون Time و Newsweek این امور را بر صفحهٔ نخستِ خود به تصویر کشیدند.

در قلمروِ اژدها، تندیس‌های هندو در هند معجزاتِ شیطانی را ظاهر ساختند؛ بدین‌گونه که تندیس‌ها قاشق‌ها یا لیوان‌های نذریِ نوشیدنی را که بر دهانشان نهاده می‌شد، می‌نوشیدند. این پدیده که از روستایی کوچک در هند آغاز شده بود، همچون قورباغه‌های مصر، در سراسر کشور گسترش یافت. بخشِ خبریِ تلویزیون بی‌بی‌سی تفسیری بر این پدیده ارائه کرد، و گزارشگر بی‌بی‌سی در تلویزیون، گویی به عنوان نکته‌ای پس از ختم سخن، این پرسش را مطرح ساخت: «در شگفتم چه رخ خواهد داد اگر فردا به موزه لندن برویم و به یکی از تندیس‌های هندو یک لیوان شیر تقدیم کنیم؟» اخبارِ شامگاهیِ روز بعد همان گزارشگر را در موزه لندن نشان داد، و او در حالی که دوربین‌ها در حال ضبط بودند، به آن تندیس بزرگِ هندو یک لیوان شیر تقدیم کرد. هنگامی که لیوان با لب‌های تندیس تماس یافت، شیر بی‌درنگ به درونِ تندیس مکیده شد.

در چارچوبِ روح‌گراییِ پیشگویی‌های سرخ‌پوستانِ آمریکایی، بوفالوی سفیدی که با نام «Miracle» شناخته می‌شد، در ۲۰ اوت ۱۹۹۴ در مزرعه دیو و والری هایدر در نزدیکی جینزویل ویسکانسین به دنیا

آمد. میراکل با پوششی سفید زاده شد، و تولد او از سوی برخی به منزله تحقق یک پیشگویی بومیان آمریکا تلقی گردید. در سنت‌های گوناگون بومیان آمریکا، تولد یک بوفالوی سفید رویدادی مقدس و پرمعنا دانسته می‌شود که نماد یگانگی، صلح، و نوزایی روحانی است. میراکل توجهی گسترده برانگیخت و برای بسیاری از مردم به نمادی از امید و اهمیت روحانی بدل شد. پیشگویی بوفالوی سفید به گذشته بازمی‌گردد و مستقیماً با مقدس‌ترین یادگار دین روح‌گرایانه بومیان آمریکا پیوند دارد، زیرا در روایت آغازین بوفالوی سفید بود که «pipe» pipe به این فرهنگ معرفی شد.

En 1994, en el ámbito del falso profeta del protestantismo apóstata, el movimiento de la Risa Santa, también conocido como la Bendición de Toronto, comenzó en enero de 1994 en la iglesia Toronto Airport Vineyard Church (ahora conocida como Catch The Fire Toronto), en Toronto, Ontario, Canadá. Fue durante una serie de reuniones de avivamiento dirigidas por los pastores John y Carol Arnott cuando el fenómeno de la risa incontrolable, junto con otras manifestaciones tales como temblores, llanto y caídas al suelo, o la imitación de animales y de sonidos de animales (a menudo denominado ser "muerto en el Espíritu" o "ebrio en el Señor"), comenzó a producirse entre los congregantes

شرکاء نے ہنسی اور دیگر ظہوروں کو روح القدس کی حضوری اور عمل سے منسوب کیا، جس کے نتیجے میں اس مظہر کو بیان کرنے کے لیے "مقدس ہنسی" کی اصطلاح استعمال ہونے لگی۔ ٹورنٹو ایئرپورٹ وائن یارڈ چرچ میں احیا کی یہ مجالس دنیا بھر سے توجہ اور آنے والوں کو کھینچ لائیں، اور یوں یہ تحریک دوسرے گرجوں اور برادریوں تک پھیل گئی۔ لوگ دنیا بھر سے اس ہنسی کا تجربہ کرنے کے لیے آتے تھے، اور جب وہ اپنے مقامی گرجوں میں واپس لوٹتے، تو اکثر وہ گرجے بھی پھر انہی شیطانی ظہوروں کا مظہر بننے لگتے تھے۔

پت رابرٹسن در سال ۱۹۶۰ شبکه پخش مسیحی (CBN) را بنیان نهاد. CBN یکی از نخستین شبکه‌های تلویزیونی اختصاص‌یافته به برنامه‌های مسیحی بود و در رشد صنعت پخش مسیحی در ایالات متحده نقشی چشمگیر ایفا کرد. این شبکه در طول سال‌ها دامنه دسترسی و نفوذ خود را از طریق تلویزیون، رادیو و رسانه‌های دیجیتال گسترش داده و به یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های رسانه‌ای مسیحی در جهان تبدیل شده است.

در سال ۱۹۸۸، او ائتلاف مسیحی را بنیان نهاد و برای ریاست‌جمهوری ایالات متحده نامزد شد. ریشه باورهای او به «جنبش اصلاح ملی» و «اتحادیه روز خداوند» بازمی‌گردد. هر دوی این سازمان‌ها در سال ۱۸۸۸ آغاز شدند و بر پایه اصول مسیحی، از اصلاحات اجتماعی گوناگون حمایت می‌کردند؛ از جمله منع مصرف الکل، حق رأی زنان، و رعایت سبت (یکشنبه) به عنوان روزی برای استراحت و عبادت. این جنبش تحت تأثیر پروتستانیسم انجیلی بود و می‌کوشید «ملتی مسیحی» را که بر اساس اصول کتاب مقدس هدایت شود، برقرار سازد. رابرٹسن نماینده همان اصولی بود که هم «جنبش اصلاح ملی» و هم «اتحادیه روز خداوند» نمایندگی می‌کردند. از همین رو، او همچنین دانشگاه ریجنت را تأسیس کرد.

پت رابرٹسون در سال ۱۹۷۷ دانشگاه ریجنت را در هماهنگی با آموزه کاتولیکی‌ای که ویلیام میلر با آن به طرزی چنین جسورانه مخالفت کرده بود، تأسیس کرد. کاتولیسیسم و پروتستانیسم مرتد از یک روش‌شناسی شیطانی کتاب مقدسی استفاده می‌کنند که، در میان دیگر ثمرات ناپاک، این باور را پدید می‌آورد که پیش از آن‌که عیسی عملاً بازگردد، هزار سال صلح برقرار خواهد بود. رابرٹسون بر این باور است که دانشگاه او مردان و زنانی را تربیت می‌کند تا کسانی باشند که حکومت هزارساله مسیح را

در طول هزاره کتاب مقدسی اداره خواهند کرد. اصطلاح «ریجنت» به کسی اطلاق می‌شود که به‌عنوان نماینده یا نایب یک حاکم یا پادشاه، هنگامی که او در کشور حضور ندارد، عمل می‌کند.

پیش از «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹، و دست‌کم از سال ۱۹۶۰ به بعد، همتایان معاصر سازمان‌هایی که در سال ۱۸۸۸ برای قانون‌گذاری یکشنبه فشار می‌آوردند، در صحنه تاریخ پدیدار شدند. پس از ۱۹۸۹، تجلیات شیطانی هر سه عنصر قلمرو دینی اژدها، وحش، و نبی کاذب را به لرزه درآورد. عیسی همواره پایان یک چیز را با آغاز یک چیز یکسان می‌شمارد، و سال ۱۹۸۹، یعنی «زمان آخر» در آیهٔ چهل دانیال یازدهم، دورهٔ نبوی‌ای را آغاز می‌کند که در قانون یکشنبهٔ قریب‌الوقوع آیهٔ چهل‌ویک به پایان می‌رسد. هنگامی که آن قانون یکشنبه فرا رسد، شیطان ظاهر می‌شود تا مسیح را «جعل شخصیت» کند، و عمل فریبدهٔ تاج‌گذار او، همراه با معجزات و شفاهای، آغاز می‌گردد.

تاریخی که آن دورهٔ نبوی را آغاز می‌کند، کاری از یک جنبش پروتستان مرتد را معرفی می‌نماید که به قانون یکشنبه می‌انجامد؛ قانونی که سال ۱۹۸۹، یعنی آغاز آن دوره، مثل آن بود. در سال ۱۹۸۹، «دیوار» «پرده آهنین» فرو ریخت، و در پایان این دوره «دیوار جدایی کلیسا و دولت» فرو می‌ریزد. آغاز این دوره، دو رئیس‌جمهور نخست از هشت رئیس‌جمهور نهایی را مشخص می‌سازد. آغاز، غلبهٔ پاپیت بر دشمن خود، یعنی الحاد در اتحاد جماهیر شوروی، را نشان می‌دهد، و پایان، غلبهٔ پاپیت بر دشمن خود، یعنی پروتستانیسم در ایالات متحده، را مشخص می‌سازد. آغاز، نخستین آن هشت رئیس‌جمهور (یک جمهوری‌خواه) را معرفی می‌کند که با ضد‌مسیح نبوت کتاب مقدسی دست اتحاد می‌دهد، و پایان، واپسین آن هشت رئیس‌جمهور را نشان می‌دهد که با ضد‌مسیح نبوت کتاب مقدسی دست اتحاد می‌دهد. آن رئیس‌جمهور نخست، مسئول فرو افکندن دیوار دانسته می‌شود، و آن رئیس‌جمهور آخر کسی است که دیوار را بنا خواهد کرد.

در سال ۱۹۶۰، تا زمان پایان در ۱۹۸۹، جنبش اصلاح ملی معاصر آغاز شد. پس از انتخابات، معجزات شیطانی آغاز گردید. پیش از قانون یکشنبه، آخرین ظهور اصلاح‌طلبان ملی بار دیگر سر سیاسی خود را برخواهد افراشت. در هنگام قانون یکشنبه، زمان کار شگفت‌آور شیطان فرا رسیده است. پیش از قانون یکشنبه، به ضرورت نبوی، داوریهایی لازم خواهد بود که نه تنها رفاه ملی ایالات متحده را از میان بردارد، بلکه آن داوریهایی نیز به ضرورت نبوی باید چنان شدید و هولناک باشند که آن منطق برقرار گردد که به کسانی در آخرین جنبش اصلاح ملی، یعنی ملی‌گرایان مسیحی، امکان دهد سبب آن داوریهایی را در شهروندانی شناسایی کنند که آنچه را «روز خداوند» می‌خوانند، حرمت‌شکنی می‌کنند. ما این مطالعه را در مقالهٔ بعدی ادامه خواهیم داد.

«اگر قوم ما در همان حالت بی‌قیدی و سستی که در آن بوده‌اند ادامه دهند، خدا نمی‌تواند روح خود را بر ایشان فرو ریزد. آنان برای همکاری با او آماده نیستند. نسبت به اوضاع بیدار نیستند و خطر تهدیدکننده را درک نمی‌کنند. اکنون باید، بیش از هر زمان دیگر، نیاز خود را به هشیاری و اقدام هماهنگ احساس کنند.»

«کار ویژهٔ فرشتهٔ سوم آن‌گونه که اهمیتش اقتضا می‌کرد دیده نشده است. مقصود خدا این بود که قوم او بسیار جلوتر از جایگاهی باشند که امروز در آن قرار دارند. اما اکنون، هنگامی که زمان آن فرارسیده است که به عمل برخیزند، هنوز باید برای آن آمادگی حاصل کنند. وقتی مصلحان ملی شروع کردند به پیش نهادن اقداماتی برای محدود ساختن آزادی دینی، مردان پیشرو ما می‌بایست نسبت به اوضاع هشیار می‌بودند و با جدیت بسیار برای خنثی کردن این تلاش‌ها کار می‌کردند. بر وفق ترتیب خدا نبوده است که نور از قوم ما دریغ داشته شود—همان حقیقت حاضر که ایشان برای این زمان بدان نیاز داشتند. همهٔ خادمان ما که پیام فرشتهٔ سوم را اعلام می‌کنند، حقیقتاً درک نمی‌کنند که آن پیام از چه تشکیل شده است. نهضت اصلاح ملی از سوی

برخی چنان کم‌اهمیت تلقی شده است که لازم ندانسته‌اند توجه چندانی به آن مبذول دارند، و حتی احساس کرده‌اند که با چنین کاری وقت خود را صرف مسائلی می‌کنند که جدا از پیام فرشته سوم است. خداوند برادران ما را بیمارزد که بدین‌سان همان پیغام مخصوص این زمان را تفسیر کرده‌اند.

مردم باید نسبت به خطرات زمان حاضر بیدار و هوشیار شوند. دیده‌بانان در خواب‌اند. ما سال‌ها عقب مانده‌ایم. بگذارید دیده‌بانان اصلی ضرورت فوری مراقبت از خویشتن را احساس کنند، مبادا فرصت‌هایی را که برای دیدن خطرات به آنان داده شده است از دست بدهند.

«اگر مردان پیشرو در کنفرانس‌های ما اکنون پیامی را که خدا برای ایشان فرستاده است نپذیرند و برای عمل همسو و آماده نشوند، کلیساها زبانی عظیم خواهند دید. هنگامی که دیده‌بان، با دیدن شمشیر در راه، کرنا را با آوایی روشن به صدا درآورد، مردم در سراسر صف، آن هشدار را بازتاب خواهند داد، و همگان فرصت خواهند داشت خود را برای نبرد مهیا سازند. اما بسی اوقات، رهبر با تردید ایستاده است، چنان‌که گویی می‌گوید: "مبادا بیش از اندازه شتاب کنیم. ممکن است اشتباهی در میان باشد. باید مواظب باشیم که هشدار کاذب برنینگیزیم." همین تردید و بی‌اطمینانی او خود فریاد برمی‌آورد: "صلح و سلامتی." هیجان‌زده نشوید. هراسان مباشید. از مسئله این اصلحیه دینی بسیار بیش از آنچه لازم است ساخته‌اند. این آشوب و تحریکات همه فروخواهد نشست." بدین‌سان او عملاً پیامی را که از جانب خدا فرستاده شده است انکار می‌کند، و هشدار را که برای برانگیختن کلیساها طراحی شده بود، از انجام کار خود باز می‌ماند. کرنا دیده‌بان آوایی روشن نمی‌دهد، و مردم برای جنگ آماده نمی‌شوند. دیده‌بان برحذر باشد، مبادا به سبب تردید و درنگ او، جان‌ها به هلاکت واگذار شوند، و خون ایشان از دست او مطالبه گردد.»

«ما سالیان بسیار در انتظار وضع قانونی درباره یک‌شنبه در سرزمین خود بوده‌ایم؛ و اکنون که این جنبش درست بر ما فرود آمده است، می‌پرسیم: آیا قوم ما در این امر وظیفه خود را انجام خواهند داد؟ آیا نمی‌توانیم در برافراشتن علم و در فراخواندن به پیشاپیش صحنه کسانی که برای حقوق و امتیازات دینی خود حرمت قائل‌اند، یاری رسانیم؟ زمان به سرعت نزدیک می‌شود که آنان که اطاعت از خدا را بر اطاعت از انسان برمی‌گزینند، وادار خواهند شد سنگینی دست ستم را احساس کنند. آیا پس در آن هنگام، با خاموش ماندن، خدا را بی‌حرمت سازیم، در حالی که فرامین مقدس او پایمال می‌شوند؟»

«در حالی که جهان پروتستان با موضع خود به روم امتیاز می‌دهد، بیا بیدار شویم تا وضعیت را دریابیم و نبردی را که پیش روی ماست در ابعاد حقیقی آن بنگریم. اکنون بگذارید دیده‌بانان آواز خویش را بلند کنند و پیامی را که حقیقت حاضر برای این زمان است اعلام نمایند. بگذارید به مردم نشان دهیم که در تاریخ نبوی در کجا قرار داریم و بکشیم روح پروتستان‌یسم راستین را برانگیزیم، تا جهان را به درکی از ارزش امتیازات آزادی دینی که تا این زمان دراز از آن برخوردار بوده است بیدار سازیم.»

«خدا ما را فرا می‌خواند که بیدار شویم، زیرا پایان نزدیک است. هر ساعت درگذر، ساعتی از فعالیت در بارگاه‌های آسمانی است تا قومی بر زمین آماده شوند که در صحنه‌های عظیمی که به زودی بر ما گشوده خواهد شد، نقشی ایفا کنند. این لحظات گذرا، که نزد ما چندان کم‌ارزش می‌نمایند، از مصالح جاودانی سنگین‌بارند. آن‌ها سرنوشت جان‌ها را برای حیات جاودان یا مرگ ابدی شکل می‌دهند. سخنانی که امروز در گوش مردم بر زبان می‌آوریم، اعمالی که انجام می‌دهیم، و روح پیامی که حمل می‌کنیم، یا بوی خوش حیات برای حیات خواهد بود یا بوی مرگ برای مرگ.»

«ای برادران من، آیا درمی‌یابید که نجات خود شما، همچنان که سرنوشتِ جان‌های دیگر، به آمادگی‌ای بستگی دارد که اکنون برای آزمایشِ پیش روی ما فراهم می‌کنید؟ آیا آن شدتِ غیرت، آن دینداری و فداکاری را دارید که شما را قادر سازد هنگامی که مخالفت بر ضد شما برانگیخته شود، استوار بایستید؟ اگر خدا هرگز به واسطهٔ من سخن گفته باشد، زمانی فرا خواهد رسید که شما را در برابر شورها حاضر خواهند کرد، و هر موضع حقیقتی که بدان پایبندید، به سختی مورد انتقاد قرار خواهد گرفت. زمانی که اکنون بسیاری می‌گذارند به هدر رود، باید صرف آن مأموریتی شود که خدا برای آماده ساختن ما جهتِ بحرانِ نزدیک‌شونده به ما سپرده است.» Testimonies, volume 5, 714–716